

# باور آبی

نیره سادات هاشمی



عنوان کتاب: آبی لبخند  
شاعر: شاهین رهنما  
تصویرگر: سارا خرامان  
ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان  
نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۶  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۳۲ صفحه  
بها: ۱۶۰۰ تومان

«آبی لبخند»، مجموعه تازه «شاهین رهنما» برای گروه سنی «د» و «ها» است. در این مجموعه ۱۲ اثر، در قالب‌های چارپاره و یک مثنوی، به چاپ رسیده است. این شاعر نگاه و زبانی ساده دارد. او مفاهیم انتزاعی را به آسانی برای مخاطب خود طرح می‌کند. تصاویر ملموس و زبان ساده، بستر طرح این مفاهیم است. برای بحث دربارهٔ فرازاها و فرودهای اثر، این موارد در دو گروه «الف» و «ب» برسی می‌شود:

## الف) ویژگی‌های مثبت این مجموعه ۱. طرح مفاهیم دینی - توحیدی:

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های این کتاب، طرح مسائل و اشارات توحیدی، به صورت غیر مستقیم است. در سال‌های پس از انقلاب، در ادبیات ما - خصوصاً در بخش شعر - توجه خاصی به مفاهیم دینی معطوف شده است. این توجه، الهام گرفته از جامعه‌ای بود که بسیار به گرایش‌های دینی - مذهبی توجه نشان می‌داد. شاعران این دوره تحت تأثیر فضای موجود، شروع به خلق آثاری با گرایش‌های دینی کردند، ولی همهٔ آثار خلق شده موفق نبودند. مقولات مذهبی، از آن دست مفاهیمی بود که چندان در ادبیات امروز ما ریشه نداشت. جای خالی این مضامین، در شعر کودک و نوجوان بیش‌تر از شعر بزرگسال احساس می‌شد. چون شعر کودک و نوجوان با زبان و ساختار امروزی خود، از قدمت چندانی در ایران برخوردار نبود، باید بدون داشتن الگوی مشخصی، این خانه از پایه بنا می‌شد. شاید همین تلاش و حرکت، موجب شد که در سال‌های اخیر، شعر کودک و نوجوان، ضمن جبران آن کاستی، در پیچه‌ای نو از نگرش دینی را به روی خود بگشاید. شاعران این گروه سنی، در کنار سایر مفاهیم مذهبی، به طرح مفاهیمی پرداختند که حتی در شعر بزرگسال هم مسبوق به سابقه نبود.

توحید، اصل اول هر دین آسمانی و اولین و مهم‌ترین سؤال بشر بوده و هست. خداوند وجودی است که چگونگی بودن و ارتباط با او، از همان کودکی در ذهن انسان شکل می‌گیرد. صحبت کردن راجع به این وجود لایزال در شعر، نیازمند دیدگاهی نوست که اگر جز این باشد، شعر با نثر تفاوتی نخواهد داشت. شعر کودک، و نوجوان، با داشتن شرط زبان ساده و تصویرسازی ملموس برای گروه سنی مخاطبش، در رسیدن به این موضوع، بر شعر بزرگسال پیشی گرفت.

نمونه این نگاه را در این مجموعه هم مشاهده می‌کنیم. شاعر این مجموعه، با زبانی ساده و صمیمی با خالق خود حرف می‌زند. این ساده دیدن و ساده گفتن، از زیبایی و شاعرانگی اثر نمی‌کاهد. وسیله بیان او سادگی‌هاست. چیزها، اتفاقات و مواردی معمولی که شاید بارها از چشم و گوش و ذهن مخاطب گذشته است و پیرامونش در حرکت است، ولی چون به وجودشان عادت کرده، به آن‌ها توجه نمی‌کند. او با مرور این سادگی‌ها برای خود و مخاطبش، نوجوان را مجذوب و وادار به اندیشیدن می‌کند. برای مثال، نمونه‌های موفق و مرتبط با این مضمون را در این کتاب مرور می‌کنیم:

### چارپاره «قدر تو»<sup>۱</sup>:

یکی از  
شاخص‌ترین  
ویژگی‌های  
این کتاب،  
طرح مسائل و  
اشارات توحیدی،  
به صورت  
غیر مستقیم  
است

پیش دریای مهربانی تو  
باز با این همه گناه بزرگ  
راستی وسعتت چه اندازه است؟  
دل که نه، مهربانی‌ات هر جا  
بیت یاد شده، یادآور قول خداوند است که می‌فرماید: «من از رگ گردن به شما نزدیک‌ترم»  
«شب قدر است و آسمان ابری است  
تو چه اندازه مهربان هستی  
بسیاری از نوجوانان در این سن و سال، به دلیل شرایط خاص سنی، از مستقیم‌گویی و تکرار فاصله می‌گیرند. این شعر در نهایت سادگی، منظور و مقصود از شب‌های قدر را به مخاطبش یادآوری می‌کند.

«عبور»<sup>۲</sup>:

«یک نیمه از عمر همه  
وقتی هدف تنها خداست  
بیش‌تر نوجوانان به دلیل شرایط خاص جسمی، روانی، محیطی، حسی تعریف‌ناپذیر و نامشخص نسبت به محیط پیرامون خود دارند. آن‌ها خود را بی‌هدف و در دوری باطل می‌انگارند. لذا تفکر این دو بیت برای آن‌ها مفید است.

«پنجره‌ها»<sup>۳</sup>:

«هزار غنچه آواز  
برای دیدن دنیا  
تمام بیت‌های این شعر از همان آغاز، مقدمه‌ای است برای رسیدن به مفهوم بند پایانی:  
«هوا، هوای پریدن  
هزار پنجره در من  
در تمام این چارپاره، حس نیایش و شکرگزاری جریان دارد.

«گل و نور و هستی»<sup>۴</sup>: تمام بیت‌های این شعر، از منظری خاص به توحید می‌نگرد:

پژوهشگاه علوم و معارف فقهی  
رساله جامع علوم انسانی

«اگر من سؤالم  
سر درس ایمان  
.....  
«تو دادی به مردم  
نبودم، توبودی  
نباشم، تو هستی»  
«تولدی دوباره»<sup>۵</sup>:

«مرگ» از جمله واقعیتهایی است که در زندگی وجود دارد و در تمام ادیان الهی، به صورت‌ها و زبان‌های گوناگون، راجع به آن بحث شده است. در قرآن هم بارها و بارها به صورت‌های متفاوت به آن اشاره شده است. «مرگ» مفهومی هراس‌انگیز دارد. این هراس، از نوع نگرش به این مفهوم نشأت می‌گیرد و فقط در سایه باورهای توحیدی و نگرش صحیح به جهان پیرامون، رنگ می‌بازد. مرگ در باورهای مذهبی، نیستی نیست که تولدی دوباره است. خزان و بهار، برای درک بهتر این مضمون، نمونه‌های خوبی هستند. طبیعت در فصل پاییز، برای تولد دیگر در بهار، خود را به دست مرگ می‌سپارد.

«ترانه‌ای نهفته است  
و در بیت بعدی، به مفهوم زیبا و متناقض‌نمایی (پارادوکس) می‌رسیم:  
«تولدی دوباره‌ست  
و به دنبال آن، دو بیت آخر این شعر:



«کسی که «نیستی» را  
دوباره زیستن را

به مرگ یاد داده  
به برگ یاد داده»  
به زیبایی مفهوم این آیه شریفه قرآن را به تصویر کشیده است: «یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی»<sup>۱</sup>.  
«سرنوشت»<sup>۲</sup>:

شاعر در این شعر، با «همذات‌پنداری» زیبایی بین خود و طبیعت، به ستایش خداوند می‌پردازد.  
بند دوم: «توی دفتر نوشتم

سبزه‌ها هر کجا  
سبزی یا زرد، هر یک

آیه‌ای از خدایند»  
«روی دفتر نوشتم:

من همینم، همینم  
سبزه‌ای تُرد و تازه

توی مشت زمینم»

## مجموعه

«آبی لبخند»

به دلیل

زبان ساده،

طرح مفاهیم

نسبتاً نو و

داشتن

اندیشه‌های زیبا،

مجموعه‌ای خوب و

قابل تأمل

است

## ۲. طرح مفاهیم ساده و تفکربرانگیز:

یکی دیگر از نکات جالب توجه شعرهای این مجموعه، وجود بیت‌ها و بندهایی، در بیش‌تر آثار است که به دلیل ارتباط موفق محور افقی، خود به تنهایی می‌توانند منظور شاعر را برسانند. در واقع، حتی اگر خارج از سلسله ابیات شعر هم قرار گیرند، بیان‌کننده هدف و مقصود شاعر هستند. ضمن این‌که خود نکته‌ای تفکربرانگیز برای مخاطب به شمار می‌روند. از آن نمونه‌ها می‌توان از بیت‌های زیر نام برد:

در شعر «عبور»:

وقتی عبور از سنگ‌ها  
باید رها چون باد بود  
مثل نسیمی مهربان  
از قید و بند و بند آزاد بود<sup>۳</sup>

«رودخانه»:

از برکه بدم می‌آید  
من جاری آبم، رودم  
از اول عمرم تا حال  
من عاشق دریا بودم<sup>۴</sup>  
«اما دلم این‌جا تنگ است  
من میل دویدن دارم  
من عاشق دریا هستم  
امید رسیدن دارم»<sup>۵</sup>

شاعر در دو بند فوق، به خوبی مفهوم سیالی جریان داشتن و پویایی را به مخاطب یادآور می‌شود.

«شبیبه جاده‌ها»<sup>۶</sup>:

شاعر در این شعر، از مثال‌هایی ساده برای دست یافتن به منظورش استفاده می‌کند؛ مثال‌هایی که هر کدام بیان‌کننده

یک خصلت مثبت در وجود انسان، برای راه‌یابی به موفقیت و کمال هستند. در بند اول این شعر می‌گوید:

«به پای جاده‌ها نگاه کن  
ببین چه قدر راه را درست  
ببین چه قدر راه رفته‌اند  
ببین چه قدر راه رفته‌اند»

فضایی که او در این دو بیت به کار گرفته، فضایی کاملاً معمولی است. او با استفاده از صنعت تشخیص<sup>۱۳</sup>، از حضور بی‌روح جاده، مثالی زنده برای مخاطب خود می‌آورد.

بند دوم: «به آن پرنده‌ها نگاه کن  
کدام‌شان اسیر مانده‌اند  
و بند پایانی: «برو ببین چه گونه می‌شود  
شبیبه جاده‌ها ز خود گذشت  
ببین که تا کجا پریده‌اند  
کدام‌شان - رها - پریده‌اند»  
بدون بال و پر، پرند بود  
شبیبه چشمه‌ها رونده بود»

### «شعر پنجره»:

هزار پنجره باز است  
هزار پنجره دارم  
چرا؟ چرا بنشینم؟  
که عاشقانه ببینم»<sup>۱۴</sup>

«دوستت دارد بهار»<sup>۱۵</sup>:

«سبز اگر باشد دلت  
در دلت وا می‌شود  
دوستت دارد بهار  
غنچه‌های بی‌شمار»

### «تولد دوباره»:

در قسمت قبل هم مثال‌هایی از این شعر ذکر شد. این چارپاره، یکی از آثار موفق این دفتر است که ویژگی‌های دیگری از آن، در قسمت بعد نیز آورده می‌شود. تمام تلاش شاعر در این چارپاره، برای متفاوت دیدن جهان است؛ زیبا دیدن زشتی‌ها، امید در ناامیدی‌ها و... به قول سهراب سپهری «جوهر دیگر دیدن»، در بندهایی مثل:

«قفس برای پرواز  
سکوت ساده ساز  
دلی که مهربان نیست  
دُرست مثل باد است  
بهانه فشنگی است  
ترانه فشنگی است»<sup>۱۶</sup>  
ترانه‌ای ندارد  
که خانه‌ای ندارد»<sup>۱۷</sup>

یا در شعر «رازها»: با وجود ضعف‌هایی که در بعضی بیت‌های این شعر دیده می‌شود (در ادامه به آن اشاره خواهد شد)، بیت‌های تفکربرانگیزی دارد:

بند دوم: «رودی که یک عمر خوانده  
باید بدانی چه رازی ست  
بند سوم: «هر راز هر چند کوچک  
هر کشف هر چند ساده  
در گوش دریا ترانه  
در حرف آن رودخانه»  
مثل کتابی بزرگ است  
خود انقلابی بزرگ است»

### ۳. زیبایی‌های ساختار و لفظی اثر:

بازی لفظی شاعر با سه حرف (ق / د / ر) در شعر «قدر تو» خوانش‌ها و معانی متفاوتی که او از واژه‌ها گرفته، صورتی زیبا به شعر بخشیده است. او این سه حرف را به صورت‌های گوناگون در این شعر تکرار می‌کند. این تکرار، علاوه بر زیبایی لفظی، در زیبایی معنوی اثر هم تأثیر می‌گذارد:

«پیش دریای مهربانی تو  
من ولی قدر تو ندانستم» /  
چه قدر قدر و منزلت دارم؟  
«شب قدر است و آسمان ابری»

یا

«تو چه اندازه مهربان هستی!  
در شعر شبیه «جاده‌ها»، شاعر برای دریا استعاره‌ای زیبا و قابل تجربه می‌آورد:  
«به چشمه‌سارها نگاه کن  
ببین چه قدر از آن همه زلال  
من چه اندازه قدر نشناسم!»  
که تا کجای رود رفته‌اند  
به آبی کبود رفته‌اند»<sup>۱۸</sup>

بسیاری از مخاطبان، دریا را با همین رنگ در خاطر دارند.

«آبی لبخند»<sup>۱۹</sup>، مثنوی کوتاهی است که با داشتن بعضی تکرارهای کلیشه‌ای در تصویر و ترکیب‌های خود، اثری

شتاب زده به نظر می‌رسد. البته نمی‌توان بیت‌های زیر را با وجود تصویرگری زیبایی آن‌ها در نظر نگرفت:

«روی دفترچه‌ای از ماسه خیس همه خاطره‌ها را بنویس»<sup>۲۰</sup>  
«مثل دستان پُر از مهر بهار سر هر کوچه برو دانه بکار»  
«آسمان را به پرت بند بزن طرحی از آبی لبخند بزن»

این بیت شاید در خوانش اول به نظر انتزاعی بیاید، ولی با کمی دقت در آن، به تصویر زیبایی می‌رسیم. رنگ آسمان آبی است. از پُر می‌توان به عنوان قلم‌مو استفاده کرد. حال تصور کنید پیوند این رنگ «آبی» را با «بال» خیال و طرحی که از آن بر صفحه خیال باقی می‌ماند. استفاده به‌جا و مناسب شاعر از عنصر «تضاد»، مانند چارپاره «تولد دی دوباره»، یکی از مهم‌ترین عوامل خلق مفاهیم زیبایی است که قبلاً راجع به آن بحث شد؛ واژه‌هایی مثل قفس - پرواز / سکوت - ترانه / تولد - مرگ. علاوه بر تضاد، «حسن تعلیل» بسیاری از مفاهیم و ابیات این شعر را شکل داده است:

«قفس برای پرواز بهانه قشنگی است»  
«سکوت ساده ساز ترانه درختان»  
«کسی که مهربان نیست دلش پُر از گلایه است»  
«سلام و سیب و سایه است ترانه قشنگی است»

در ضمن، «واژه آرایی» شاعر با حرف «سین»، در بیت‌های بالا گوش‌نواز است. در بند آخر این اثر، موسیقی کناری بسیار موفق است. شاعر این مجموعه، در همین شعر و شعرهای دیگر، از ردیف‌های بلند استفاده می‌کند، اما در این بند قافیه‌های مرگ و برگ در کنار ردیف بلند «یاد داده»، به قول نیما یوشیج، «زنگ مطلب» است.

و تصویر زیبایی این دو بیت در شعر «کوه و چشمه»:

«چشمه رود می‌شود، سپس پای کوه گشت می‌زند»  
«بعد می‌رود قدم‌زنان یک سری به دشت می‌زند»<sup>۲۱</sup>  
با وجود تمام نکات مثبتی که برای این مجموعه بیان شد، وجود برخی نکته‌های منفی نمی‌گذارد این مجموعه، یک مجموعه ایده‌آل باشد.

## ب) نقاط ضعف این مجموعه

### ۱. ضعف‌های ساختاری و محتوایی:

در بیت پنجم شعر «قدر تو»، تکرار «من ولی» در دو مصراع به دنبال هم، اگرچه با هدف تأکید، موجب پدید آمدن حشو محتوایی در این بیت شده است:

«من ولی قدر تو ندانستم من ولی از تو چشم پوشیدم»

و بیت هفتم همین شعر، شاعر اشاره به آسمان ابری شب قدر دارد که از این اشاره، می‌توان دو برداشت را در نظر گرفت:

۱. آسمان ابری در معنی حقیقی خود به کار رفته است که این مفهوم، با وجود نشستن در کنار «شب قدر»، باری منفی ایجاد می‌کند. در شب قدر، درهای آسمان باز است و ابری بودن، تداعی بسته بودن این درها را در شعر می‌کند.  
۲. آسمان ابری در معنی مجازی، با توجه به مصرع بعد «تر شده شاخه‌های احساسم» به کار رفته و استعاره از چشم‌های شاعر است.

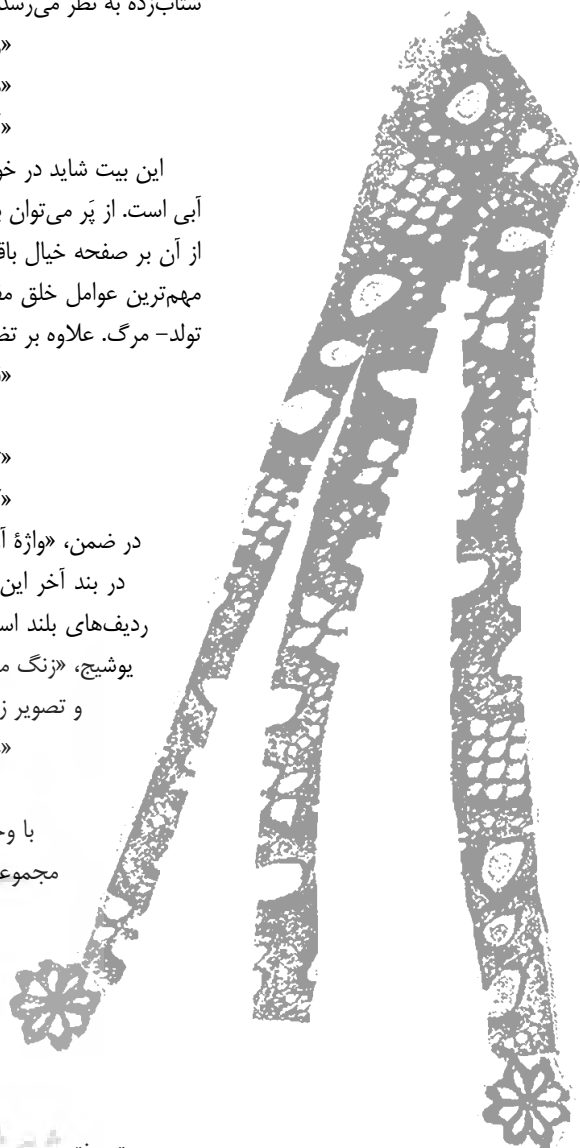
در این صورت، با این‌که مفهوم زیبایی با خود دارد، آیا برای مخاطب قابل درک است؟ چارپاره «عبور»: مفهومی مثبت و زیبا می‌پروراند، اما بی‌توجهی شاعر به شأن استفاده از بعضی کلمات، موجب به وجود آمدن شبه‌هایی شده است:

«پیچیده در پاهای من بوی عبور ناگهان»

در کنار هم آمدن واژه «بو» با توجه به واژه «پا» در مصرع قبل، چندان زیبا نیست. ضمن این‌که، این احساس است که موجب حرکت می‌شود، نه «بو»! پس بهتر بود شاعر به جای واژه «بو»، از «حس» استفاده می‌کرد.

در بیت دوم و سوم: «هی می‌دود پاهای من سمتی که ساز و جاده است صد بار اما تاکنون بر سنگ‌ها افتاده است»

اگرچه در این دو بیت، شاعر به زیبایی مفهوم بی‌اختیاری را به تصویر کشیده است، منظور از «ساز و جاده» چیست و این دو نماد چه هستند؟ یا فعل «گردیدن» که شاعر بر اساس یک غلط مصطلح، آن را به جای «شدن» به کار برده است. در این بیت:



«شاید که گردیده جدا از آن همه وابستگی»

تنگنای وزن در چارپاره «رودخانه»، زبان شاعر را در دو بیت زیر دچار ضعف تألیف کرده است:

«این برکه ز من می خواهد تا این که کنارش باشم»

دل برکنم از رفتن‌ها هم صحبت و یارش باشم»

اگر بیت اول را به جمله مستقیم برگردانیم، چنین می‌شود:

«این برکه از من می خواهد، کنارش باشم» یا «این برکه از من می خواهد که: کنارش باشم». پس در ساختار درست

دستوری جمله «تا» و «این» اضافه هستند و فقط برای پُر شدن خلاء موسیقی (وزن) آمده‌اند. همین‌طور حرف اضافه «بر» به جای «ب»، در کنار فعل «کندن» آمده است.

چارپاره «شبیبه جاده‌ها»، علی‌رغم زیبایی‌های مفهومی، در این چند بیت دچار ابهام محتوایی است:

«چه قدر از درخت‌های باغ بدون برگ و بار مانده‌اند»

بین چه قدر از آن همه درخت بلند و باوقار مانده‌اند»

بیت اول اشاره به یک ویژگی منفی دارد (بدون برگ و بار ماندن)، ولی «بلندی و باوقاری» در بیت بعد، یک ویژگی

مثبت است. در این بند، اگر بیت اول را از نظر معنایی مرتبط با بیت دوم در نظر بگیریم، «بدون برگ و بار ماندن» یک

ویژگی مثبت تلقی می‌شود. صفت مبهم «همه» در بیت دوم، خواه ناخواه درخت‌های این بیت را همان درخت‌های بیت

قبل معنی می‌کند. ضمن این که بسیاری از درختان، مثل سرو، افرا و سپیدار اگرچه میوه و باری ندارند، نماد افتخار، سبزی

و استواری‌اند. در بیت نهم همین اثر، مصرع اول چون صفت اشاره «آن»، به دلیل قرار نگرفتن در قالب وزن از این مصرع

حذف شده است، مفهوم بیت به دلیل ضعف تألیف، قدری ناپخته به نظر می‌آید:

«به دفتر دلت نگاه کن بین که برگ‌ها بهاری‌اند»

«شعر دوستت دارد بهار»: بیت چهارم:

«سنگ‌ها، خرچنگ‌ها هم‌زبان می‌شوند»

«سنگ و خرچنگ» چه ارتباطی با «هم‌زبانی» دارند؟ ضمن این که سنگ در ادبیات ما غالباً نماد «خاموشی» است:

«چون سنگ‌ها صدای مرا گوش می‌کنی سنگی و ناشنیده فراموش می‌کنی»<sup>۲۲</sup>

حتی اگر منظور شاعر چنین باشد که سنگ سخت هم از «دل سبز او» سبز می‌شود، آن وقت چه توجیهی باید برای

خرچنگ آورد!

در بیت ششم همین چارپاره، صفت «سرپناه» برای ابر، مناسب نیست؛ چون ابر به دلیل «رونده بودن» نمی‌تواند سرپناه

باشد، اما سایه‌بان می‌شود.

«چارپاره راز»: تمام تلاش شاعر در این چارپاره، جلب توجه مخاطب به دنیای پیرامون و طبیعت است. او می‌خواهد

مخاطبش با دقت در طبیعت اطرافش، به کشف رازهایی برسد که - همان‌طور که خودش می‌گوید - «کتابی بزرگ» هستند.

او در تمام این اثر، به مواردی اشاره می‌کند که می‌توان پاسخی برای آن یافت؛ جز اشاره او به «مار»:

«بنگر چه رازی نهفته است در پوست‌اندازی مار»

«صد راز زیبا نهفته است در خانه مارها هم»

و باز در بیت آخر بر «پوست‌اندازی مار» تأکید می‌کند. پوست‌اندازی مار یکی از زیبایی‌ها و شگفتی‌های طبیعت است؛

مثل پروانه شدن کرم، تارهای عنکبوت، پوست انداختن حشرات و حیوانات دیگر و... اما چرا شاعر این همه بر «پوست‌اندازی

مار» تأکید می‌کند؟

شعری با این مضمون، در صورتی زیباست که مخاطب با مرور تخیل و تصور درباره این رازها، از آن‌ها لذت ببرد و به

فکر فرو رود، نه این که خود این شواهد، تبدیل به راز یا سوالی بی‌پاسخ و ملال‌آور گردد. به نظر می‌آید شاعر هدف و نگاه

روشنی از سرودن این شعر ندارد.

از دیگر ضعف‌های مفهومی این اثر، در چارپاره «دنیای قشنگ»، بند سوم آن است:

«بنشان گل خوبی را در کاسه ایمانم»

یک شاخه دعا بنشان در مزرعه جانم»

شاعر «ایمان» را به «کاسه» و «جان» را به «مزرعه» تشبیه کرده است. «کاسه» تشبیه مناسبی برای ایمان نیست.

«ایمان» حافظ جان یا روح از لغزش‌های پیش‌بینی نشده است.

اگر بر اساس تشبیه شاعر، جان را مزرعه‌ای تصور کنیم، تناسب درستی بین ظرف و مظهر نیست؛ چون قطعاً یک

مزرعه در یک کاسه نمی‌گنجد. این از آن‌گونه شعارزدگی‌هایی است که بدون دقت شاعر در مفهوم، گه‌گاه وارد شعر نوجوان





می‌شود.

در شعر «سرنوشت» هم، در این دو بیت:

«توی دفتر نو شتم

سبز یا زرد، هر یک

سبزه‌ها هر کجا بید

آیه‌ای از خدا بید»

وقتی صحبت از «سبزه» است، آمدن واژه زرد در کنار آن، دیگر تداعی زندگی را نمی‌کند. «زرد» مفهوم گیاه مُرده را تداعی می‌کند. پس نباید بین سبز و زرد، حرف ربط «یا» آورده شود. «سبزی» صورتی مثبت و «زردی» صورتی منفی است.

و شعر «کوه و چشمه»، علی‌رغم این که طرح جالبی دارد، اما بی‌دقتی شاعر در استفاده از قیدهای حالت، نمی‌گذارد این اثر به موفقیت کامل دست یابد:

«چشمه تند راه می‌رود

کوه ایستاده سر بلند»

گویا شاعر در بیان خصلت رود و چشمه دچار اشتباه شده است؛ چون این رود است که راه می‌رود و چشمه می‌جوشد. و در بند سوم، شاعر آن چه را در بیت اول آورده بود، به فراموشی می‌سپارد:

«کوه ما ولی هنوز هم

در سکوت خود نشست است

زیر بار سنگ‌های سخت

غصه‌دار و دل شکسته است»

کوهی که در بیت اول «سر بلند» ایستاده بود، در این بیت نشست و غصه‌دار و دل شکسته است و قید «هنوز هم» بیش‌تر به این تناقض رنگ می‌بخشد.

## کیفیت ارائه و شکل کتاب

کتاب در قطع رحلی، برای گروه سنی «د» و «ه» منتشر شده است. این قطع بیش‌تر مناسب گروه سنی «ج» یا حداکثر «ج - د» است تا «ه»! مخاطب گروه سنی «ها»، قطعاً این قطع برایش کودکانه می‌نماید. تصویرگری کتاب، جذاب نیست. تکرار کاراکتر «فرشته» در تمام صفحات کتاب، به نشانه‌ای کلیشه‌ای و خسته‌کننده تبدیل شده است. تصویرگری کتاب را برای گروه سنی «د» می‌توان پذیرفت، اما مناسب گروه سنی «ه» نیست.

استفاده از چهار رنگ «سفید، خاکستری، سیاه و آبی» به جای ایجاد حس زلالی و روشنی و القا بار مذهبی اثر، صورتی سرد و بی‌حال به کتاب داده است.

در صفحه‌بندی کتاب، با جا افتادن نام شعر «راز»، امکان دارد مخاطب را در خوانش و تشخیص استقلال شعر، از شعر قبلی (تولدی دیگر) دچار مشکل سازد. اگر موسیقی (وزن) این دو اثر نزدیک به هم بود، درصد این اشتباه بسیار بالاتر می‌رفت.

در مجموع و حتی با وجود این نقاط ضعف، مجموعه «آبی لبخند» به دلیل زبان ساده، طرح مفاهیم نسبتاً نو و داشتن اندیشه‌های زیبا، مجموعه‌ای خوب و قابل تأمل است. برجستگی‌های محتوایی و ساختاری شعرهای این کتاب آن قدر درخور توجه هست که بتواند نقاط ضعف آن را کم‌رنگ کند.

## پی‌نوشت:

- |   |   |
|---|---|
| ۱ - چارپاره قدر تو، ص ۶، همین مجموعه  | ۱۲ - چارپاره جاده‌ها، ص ۱۲                          |
| ۲ - چارپاره عبور، ص ۸، همین مجموعه  | ۱۳ - personification                                |
| ۳ - چارپاره پنجره، ص ۱۴، همین مجموعه  | ۱۴ - چارپاره پنجره، بند سوم، ص ۱۴                   |
| ۴ - چارپاره گل و نور و هستی، ص ۱۶، همین مجموعه  | ۱۵ - چارپاره دوست دارم بهار، ص ۱۸                   |
| ۵ - چارپاره تولدی دوباره، ص ۲۲، همین مجموعه   | ۱۶ و ۱۷ - چارپاره تولدی دوباره، بند اول و سوم، ص ۲۲ |
| ۶ - parasox - پارادوکس  | ۱۸ - چارپاره رازها، ص ۲۴                            |
| ۷ - این عبارت در آیات (۳۱ - سوره یونس)، (۱۹ - سوره الروم) و (۹۵ سوره انعام) آمده است. | ۱۹ - چارپاره شبیه جاده‌ها، بند سوم، ص ۱۲            |
| ۸ - چارپاره سرنوشت، ص ۲۸  | ۲۰ - چارپاره آبی لبخند، ص ۲۰                        |
| ۹ - چارپاره عبور، بند چهارم   | ۲۱ - چارپاره کوه و چشمه، بند دوم، ص ۳۰              |
| ۱۰ و ۱۱ - چارپاره رودخانه، ص ۱۰، بند اول و آخر  | ۲۲ - بیتهی از غزل فروغ فرخ‌زاد                      |